

نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو آرای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

علیرضا میرکمالی *

محمد پورمازار **

محمدرضا نریمانی زمان آبادی ***

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۲

چکیده

شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در جریان رسیدگی و صدور رأی در پرونده تادیب در پانزدهم ژوئیه ۱۹۹۹، برای نخستین بار مفهوم فعالیت مجرمانه مشترک را به شکلی ساختارمند همراه با دسته‌بندی سه‌گانه از آن، به عنوان یک نظریه، شناسایی کرد. فعالیت مجرمانه مشترک نوعی مسئولیت کیفری برای افرادی است که در قالب یک گروه مجرمانه به اقداماتی در راستای دستیابی به هدف، طرح یا برنامه مجرمانه مشترک دست می‌زنند که در صورت جمع شرایط، همگی آنان مسئول جرم ارتکاب یافته در اثر فعالیت گروه هستند. طبع غالب جرایم جنگی مبنی بر دسته‌جمعی بودن ارتکاب آنها، عدم ضرورت احراز مسئولیت کیفری سبک‌تر برای معاونین نسبت به مباشرین جرم به لحاظ همسانی سوءنیت آنان، افزایش آثار بازدارندگی، پیگیری شخصی کردن مجازات‌ها و توانایی انطباق هرچه بیشتر با موازین انصاف و عدالت، از جمله مبانی و اهداف این نظریه است که همراه با انتقادات وارد بر آن، نیاز به

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

sarmirkamali@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

mohammad.pourmazar@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

mohammadreza_narimani@hotmail.com

بررسی دقیق حقوقی دارد. این سبک از مسئولیت کیفری دارای تمایزاتی با سایر انواع مسئولیت کیفری، نظیر شرکت و معاونت در جرم و مسئولیت مقام مافوق، و گاهی هم‌پوشانی با آنهاست که در صورت پذیرش تمامی این موارد در یک نظام حقوقی، برای جلوگیری از خلط و فراهم آوردن امکان تصمیم‌گیری مناسب از سوی دادگاه، می‌بایست از یکدیگر تمییز داده شوند.

کلیدواژگان:

پرونده تادیج، پرونده میلان مارتیچ، مبانی مسئولیت کیفری، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، فعالیت مجرمانه مشترک.

مقدمه

در نتیجه جنایاتی که از سال ۱۹۹۱ م در یوگسلاوی سابق به وقوع پیوست، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۸۲۷ مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳، به ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اقدام کرد.^۱ رأی مفصل و دکتربین‌ساز شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده موسوم به «تادیچ» منجر به شکل‌گیری نظریه‌ای نوین در شناسایی مسئولیت کیفری به نام فعالیت مجرمانه مشترک^۲ و متعاقباً بهره‌گیری بسیاری از شعب دادگاه مزبور و سایر محاکم کیفری بین‌المللی از آن نظریه شد. در این مقاله به معرفی و بررسی این نظریه در چارچوب برخی از مهم‌ترین آرای آن دادگاه خواهیم پرداخت.

دوسکو تادیچ^۳ که از محافظین یکی از کمپ‌های زندان صرب‌های بوسنی، به نام کمپ اومارسکا،^۴ بود،^۵ به همراه سایر اعضای گروه خود با هدف پاک‌سازی^۶ منطقه‌ای از بوسنی هرزگوین از مردم غیر صرب، به ضرب و شتم اهالی آن پرداخت که در نتیجه پنج تن به قتل رسیدند. تادیچ در آوریل ۱۹۹۵ به دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق منتقل شد^۷ و دادگاه بدوی در ۷ می ۱۹۹۷ وی را فقط به ارتکاب جرم علیه بشریت و نقض قواعد و عادات جنگی به دلیل مشارکت وی در پاک‌سازی و اعمال خشونت محکوم کرد. اما هیچ‌گاه اثبات نشد که تادیچ مستقیماً مرتکب قتل آن افراد شده است؛ لذا شعبه تجدیدنظر، به ریاست قاضی آنتونیو

۱. کریستوفر گرین‌وود، **دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق**، ترجمه مهرداد سیدی، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، دوره ۱۳، شماره‌های ۱۸-۱۹، ص ۳۸۱.
 ۲. این عبارت ترجمه "Joint Criminal Enterprise" است که از آن با عنوان «اقدامات مجرمانه مشترک» و «فعالیت مجرمانه جمعی» نیز یاد می‌شود.

3. "Duško Tadić".

4. "Omarska".

۵. به نقل از مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران به نشانی اینترنتی:

<http://www.icicl.org/details.asp?id=24>

6. "Ethnic cleansing".

۷. ملکی‌زاده، امیرحسین، **ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی وحدت یا تعارض رویه‌ی قضایی بین‌المللی**، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۸۲، ص ۱۶۹.

کاسسه^۱، برای افزودن جرم قتل به محکومیت‌های وی به نظریه‌ای متوسل شد که معرفی ساختارمند و استنباط سه دسته از انواع آن، از نوآوری‌های این رأی به حساب می‌آید.^۲ واقعیتی مبنی بر ارتکاب جرایم از طریق مشارکت گروهی از افراد در چارچوب یک برنامه مشترک، بسیاری از قضات رسیدگی کننده به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق را بر آن داشت تا از نیات و اقدامات مجرمانه معاونین و سایر همدستانی که مرتکب عنصر مادی جرم نهایی نشده‌اند، گذر نکنند و مباشر مستقیم جرم را اصلی‌ترین عامل ارتكاب آن در نظر بگیرند. از رهگذر همین واقعیت است که فعالیت مجرمانه مشترک مناسب‌ترین مدل مسئولیت کیفری برای مبارزه با ابعاد جمعی ارتكاب جرایم بین‌المللی معرفی شده است.^۳

این نظریه به دلیل طرح مباحث نسبتاً نوین، مورد انتقادات وسیعی قرار گرفته است که برای تشخیص صحت این انتقادات، باید مبانی نظری و اهداف فعالیت مجرمانه مشترک را که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، شناسایی کنیم و سپس با ارائه تعریفی دقیق از اصول و قواعد کلی حقوقی، به سنجش میزان انطباق این نظریه با آن دست بزنیم.

۱. ماهیت و انواع فعالیت مجرمانه مشترک

در این بخش به مفهوم‌شناسی و دسته‌بندی فعالیت مجرمانه مشترک در پرتو نظرات و آرای صادره از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق می‌پردازیم.

۱. Antonio Cassese بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ میلادی، به عنوان رئیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق فعالیت می‌کرد و تا پایان عمر نیز در شعبه تجدیدنظر آن دادگاه مشغول بود. برای مطالعه بیشتر، نک:

<http://cassese-initiative.org/category/antonio-cassese/>

۲. برای مشاهده خلاصه‌ای از روند محکومیت تادیچ در مراحل بدوی و تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، نک:

Case Information Sheet, Duško Tadić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.

و همچنین نک: برنازاده، پژمان و علیرضا سایبانی، *نحوه بازنگری از آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی*، فصلنامه تازه‌های حقوقی مجله حقوقی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱، ص ۱۱.

3. Iryna Marchuk, *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law*, Springer, 2013, 166.

۱.۱. ماهیت

فعالیت مجرمانه مشترک که می‌توان از آن به مسئولیت کیفری جمعی نیز یاد کرد،^۱ عبارت است از اقداماتی که افراد در قالب یک گروه در راستای دستیابی به هدف، طرح یا برنامه مجرمانه مشترک خود،^۲ اعمال می‌کنند. از آنجا که فعالیت مجرمانه مشترک از جمله مبتنی بر اجتماع و مشارکت است و ابتدای مشارکت جنایی نیز بر مداخله حداقل دو نفر در انجام یک فعالیت مجرمانه است^۳ و از این رهگذر، شامل شرکت در جرم، معاونت در جرم و جرم سازمان‌یافته می‌شود،^۴ بنابراین فعالیت مجرمانه مشترک نیز نوعی مشارکت جنایی است.

فعالیت مجرمانه مشترک به عنوان یک مبنا از مسئولیت کیفری، بیان می‌دارد که تمام افراد به هر نحوی که در پیشبرد یکی از جرایم تحت صلاحیت دادگاه،^۵ چه به صورت ارتکاب مستقیم آن و چه به صورت مساعدت و همکاری در آن، نقش داشته‌اند، در صورت جمع شرایط، دارای مسئولیت کیفری یکسان در حد مباشر اصلی جرم خواهند بود.

عناصر مادی حداقلی این مدل از مشارکت به طور کلی، عبارت است از وجود تعدادی از افراد،^۶ وجود یک هدف، طرح یا نقشه مشترک که ارتکاب جرمی از جرایم تحت صلاحیت دادگاه را دربرگیرد و بالاخره مشارکت متهم در یک جنبه یا بیشتر از آن هدف، طرح یا نقشه مشترک^۷ که البته این مشارکت نه به معنای ارتکاب فیزیکی جرم و نه حتی نیازمند حضور متهم در زمان یا مکان ارتکاب است؛ بلکه فعل یا ترک فعل به طریقی^۸ که به پیشبرد هدف مشترک بینجامد،

۱. محسنی، فرید، *مرزهای دقیق مسئولیت فردی بر اساس دکترین مسئولیت کیفری جمعی*، دیدگاه‌های حقوق قضایی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۸، ص ۱۷۷.

2. Common criminal purpose, design or plan.

۳. محمدی، قاسم و احسان عباس زاده امیر آبادی، *رویکرد جرم‌شناختی به مقوله‌ی مشارکت جنایی*، پژوهش حقوق کیفری، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۲، ص ۱۲۶.

۴. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۲، ص ۹۴.

۵. این جرایم در مواد ۲ تا ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق آمده است که عبارت‌اند از نقض گسترده کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو، نقض قواعد یا عادات جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت.

۶. برخی آرای صادره وجود حداقل دو نفر را کافی دانسته‌اند، نک:

Kvočka and others, Appeal Judgement, para. 81.

7. Tadic Appeal Judgment, paras. 197, 227.

8. "In some way".

برای صدق آن کافی است.^۱ البته و از سوی دیگر، این امر تصدیق شده است که هرچند لازم نیست مشارکت متهم ضروری یا اساسی باشد، دست کم باید «قابل توجه»^۲ باشد. برای مثال در در پرونده «پوپوویچ»،^۴ نظارت و ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف گروه به اندازه کافی و برای تحقق عنصر مادی «قابل توجه» دانسته شده است.^۵

علاوه بر این، هر یک از دسته‌های سه‌گانه فعالیت مجرمانه مشترک دارای عناصر روانی و بعضاً مادی اختصاصی است که به فراخور هر یک از دسته‌ها به آن خواهیم پرداخت.

۱.۲. دسته‌های سه‌گانه فعالیت مجرمانه مشترک

فعالیت مجرمانه مشترک به مقسم عنصر مادی و روانی آن، به سه دسته تقسیم شده است:

۱.۲.۱. مدل پایه

دسته نخست که مدل پایه یا ساده^۶ نامیده می‌شود، زمانی محقق می‌شود که تمامی همکاران و افراد دخیل در گروه، قصد مجرمانه مشابهی داشته باشند و یک نفر یا بیشتر (نه همه افراد) آن جرم را عملاً و عیناً انجام دهد. عنصر مادی مدل پایه به صورت پیش‌گفته بوده و عنصر روانی لازم عبارت از داوطلبانه بودن مشارکت و قصد وقوع همان نتیجه مجرمانه پیش‌آمده یا به عبارتی همان هدف مجرمانه مشترک گروه است.^۸

در رأی تجدیدنظر از پرونده تادیچ، برای تبیین این نوع از فعالیت مجرمانه مشترک به پرونده چپسن و دیگران^۹ اشاره شده است؛ به این مضمون که متهم محکوم به قتل پناهندگان جنگی

1. milutinovic and others, Trial Judgment, para. 103; Kvočka and others, Appeal Judgement, para. 99.

2. "Significant".

3. Brdanin Radoslav, Appeal Judgment, para. 430; Milan Martić, Appeal Judgment, para. 440.

4. "Vujadin Popovic".

5. popovic and others, Appeal Judgment, Paras. 1612 – 1615..

6. Basic.

7. Catherine H. Gibson, "Testing the Legitimacy of the Joint Criminal Enterprise Doctrine in the ICTY: A Comparison of Individual Liability for Group Conduct in International and Domestic Law", *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 18, No. 521, (2008), 526.

8. Tadić Appeal Judgment, Para. 196; milutinovic and others, trial judgment, para. 108.

9. Trial of Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany.

یک کمپ شد و دادستان آن پرونده استدلال کرد که اگر متهم به صورت داوطلبانه به چنین کشتار فجیعی پیوسته باشد و با ایفای نقش خویش به دیگران در ارتکاب جرم قتل کمک کرده باشد، مسئولیت قتل تمامی کشته‌شدگان بر دوش او و نیز تمام کسانی که در مسیر مساعدت و همکاری با این اقدام مجرمانه بوده‌اند، نیز خواهد بود.^۱

در پرونده‌ای دیگر^۲ چنین اظهار نظر شده است که: «مسئول شناختن یک فرد در موضوع مورد بحث به این معنی نیست که او در واقع ضربه‌کشنده و نهایی را وارد کرده و مستقیماً باعث قتل بزه‌دیده شده است، بلکه مسئول شناختن او به واسطه اتخاذ هر وسیله خشونت‌آمیز دیگری است که در واقع نشانگر درجه‌ای غیرمستقیم از مشارکت است [...] و این امر فارغ از آن است که رفتار متهم برای به وقوع پیوستن نتیجه مجرمانه کافی بوده است یا اینکه اگر رفتار او نمی‌بود، جرم به وقوع نمی‌پیوست».^۳

۱.۲.۲. مدل نظام‌مند

دسته دوم که یک مدل نظام‌مند^۴ است، زمانی محقق می‌شود که اعضای یک واحد جنگی یا اداری که اردوگاه زندانیان را اداره می‌کنند، از طریق اعمال اقتدار در چارچوب سلسله مراتب واحد مربوط به خود، مرتکب جرمی در راستای انجام نقشه مورد توافق می‌شوند.^۵ به همین دلیل به این دسته «پرونده‌های اردوگاه زندانیان»^۶ نیز گفته شده است.^۷ این قسم در واقع همان دسته اول است، با این تفاوت که متهم دارای موضع قدرت در قالبی سازمانی بوده و با اینکه وظیفه محافظت از ساکنین یا زندانیان اردوگاه تحت نظر سازمان خود را داشته، در طرح مجرمانه علیه آن افراد شرکت کرده است.

1. Ibid., Para 241. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 198.

2. Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany.

3. Ibid., summing up of the Judge Advocate, Para 7. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 199 .

4. Systemic.

5. Tadic Appeal Judgment, Para 202.

6. "Concentration Camp Cases".

7. Ambos, Kai, "Joint criminal Enterprise and Command Responsibility", *Journal of International Criminal Justice* 5 (2007), 160.

سه شرط برای مسئول دانستن متهمان به ارتکاب جرم در چارچوب این دسته لازم دانسته شده است:^۱

۱. وجود یک دستگاه سازمان‌دهی شده برای بدرفتاری و ارتکاب جرم علیه ساکنان یا زندانیان؛
 ۲. آگاهی متهم از وجود سیستمی با این اوصاف؛
 ۳. مشارکت فعالانه متهم در اجرا و پیشبرد امور این سیستم.
- قابل ذکر است که موارد اول و سوم، عنصر مادی و مورد دوم، عنصر روانی این دسته تلقی می‌شود.

۱.۲.۳. مدل موسع

این دسته که مدل موسع^۲ نامیده می‌شود^۳ زمانی رخ می‌دهد که یک طرح مشترک برای انجام اقدامات مشخصی وجود دارد، اما یکی از اعضا مرتکب رفتاری می‌شود که هرچند آن رفتار خارج از طرح مشترک بوده، به هر حال نتیجه‌ای طبیعی و قابل پیش‌بینی از اعمال آن قصد مشترک بوده است.^۴

دو شرط برای احراز عنصر روانی در دسته سوم شناخته شده است:

۱. داشتن قصد مجرمانه برای شرکت در طرح مجرمانه مشترک؛
 ۲. قابل پیش‌بینی بودن وقوع جرم جدید در اثر همدستی و پذیرش این خطر از روی میل.^۵
- شرط دوم، وجه ممیزه این دسته با دو دسته پیشین^۶ است. در رأی تجدیدنظر پرونده تادیج ملاک قابل پیش‌بینی بودن، مقید به پذیرش خطر قابل پیش‌بینی از روی میل و اراده است؛ به نحوی که موجد نوعی علم شخصی برای متهم شده باشد.^۷ پس با توجه به لزوم بی‌پروایی و پذیرش این خطر از روی تمایل، به نظر می‌رسد که این رأی ملاک قابل پیش‌بینی بودن را شخصی و نه نوعی دانسته است. کما اینکه در برخی دیگر از آرا نیز به صراحت قید شده است که

1. Trial of Josef Kramer and 44 others, vol. II, Para 121. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 202.

2. "Extended".

3. Catherine H. Gibson, op.cit, 528.

4. Tadic Appeal Judgment, Para 204.

5. See: Ibid., Para 206.

۶. به همین دلیل است که برخی از محققین از دسته سوم با عنوان «اقدامات مجرمانه مشترک موسع» نام می‌برند. برای مشاهده، نک: جانی‌پور، مجتبی و معصومه لادمخی، مفهوم موسع اقدامات مجرمانه‌ی مشترک در حقوق کیفری بین‌الملل، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۶.

7. Tadic Appeal Judgment, Para 228.

صرف ممکن الوقوع بودن کافی نیست و وقوع جرم خارج از هدف مشترک باید «برای متهم» قابل پیش‌بینی بوده باشد؛^۱ مگر آنکه بتوان گفت که این خطر آن قدر قابل پیش‌بینی بوده است که متهم باید چنین احتمالی را داده باشد. بدین ترتیب، اگر متهم احتمال وقوع جرم جدیدی را پیش‌بینی کند، لیکن به مشارکت خود در فعالیت مجرمانه مشترک ادامه دهد، این به معنای پذیرش خطر از روی میل است.^۲

نکته دیگر در خصوص قابل پیش‌بینی بودن، این است که برای تحقق آن، چیزی بیش از سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی نیاز است؛ به این ترتیب که هرچند متهم قصد نتیجه مجرمانه نهایی را نکرده، اما آگاه^۳ بوده است که اقدامات گروه به احتمال زیاد به نتیجه دیگری منجر می‌شود.^۴ با وجود استفاده از واژه آگاهی، به نظر می‌رسد که مقصود، علم^۵ نبوده باشد؛ چراکه علم در حکم همان قصد^۶ است و اگر مقصود چنین بود، دیگر نیازی به جدا کردن دسته سوم از دسته اول نبود. به همین دلیل است که به عقیده این مقاله و مستفاد از روح و منطقی این نظریه، اگر فرض مسئله چنین باشد که افرادی در یک گروه با هدف مجرمانه مشترک X در حال فعالیت‌اند، ولی در اثنای کار، قصد مجرمانه برخی از افراد تغییر می‌یابد و در پی رسیدن به هدف مجرمانه Y، به ادامه مسیر می‌پردازند و در این شرایط سایر افراد گروه متوجه می‌شوند و علم می‌یابند که بعضی از افراد در پی هدف Y هستند؛ باین حال آنان بدون آنکه مستقیماً قصد خود را عوض کنند، به فعالیت در گروه و همدستی با سایرین ادامه می‌دهند. در این فرض، در صورت وقوع جرم Y، همه افراد، مسئول آن جرم خواهند بود، اما نه در چارچوب دسته سوم، بلکه بر اساس دسته اول از فعالیت مجرمانه مشترک؛ چراکه در این فرض، خطر قابل پیش‌بینی وجود ندارد و هدف مجرمانه Y، مورد قصد عده‌ای از افراد و نیز مورد علم سایرین است.

1. Milan Martić, Appeal Judgement, para. 83.

2. Popović and others, Appeal Judgment, para. 1700.

3. "Aware".

4. Kvočka and others, Appeal Judgement, para. 83.

5. "Knowledge".

۶. "Intent". قابل ذکر است که ماده (1) 30 اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دو واژه «قصد» و «علم» را به همراه یکدیگر و به عنوان عنصر روانی جرایم تحت صلاحیت خود ذکر کرده است.

مدل موسع فعالیت مجرمانه مشترک، مبنای بسیاری از محاکمات از جمله محکومیت «دوسکو تادیچ» به ارتکاب قتل بود.^۱ در واقع دادگاه بر این باور بود که آقای تادیچ، به عنوان یکی از متهمین پرونده، مطلع بوده است که قصد مشترک گروه خود مبنی بر ضرب و شتم مقتولین به احتمال زیاد منجر به قتل آنها خواهد شد. البته برای آنکه میان اقداماتی که یک نفر انجام داده با جرمی که دیگری مرتکب شده است، ارتباطی از نوع سببیت و علی باشد، لازم است تا عمل نفر دومی توسعه و گسترش احتمالی و منطقی عمل نفر اول را دربرگیرد.^۲ به همین دلیل در پرونده «میلان مارتیچ»^۳ در سال ۲۰۰۸ م چنین اظهارنظر شد که با توجه به وقایع پرونده، متهم آگاه بوده است که در اثر انتقال اجباری غیرصربها، این افراد در حال نابودی و بزه‌دیدگی هستند، اما او داوطلبانه از مداخله در برابر مرتکبین جرایم علیه غیرصربها خودداری کرد و نظر به این مراتب، به جرایم ارتكابی محکوم گشت.^۴ در پرونده پوپوویچ در سال ۲۰۱۵ نیز چنین اظهارنظر شد که وقوع قتل فرصت طلبانه در خلال یک پاک‌سازی اجباری گسترده می‌تواند با جمع اوضاع و احوال امری قابل پیش‌بینی تلقی شود.^۵

در خصوص دسته سوم، اشاره به یک پرونده جالب توجه است که در آن ملاک قابل پیش‌بینی بودن، احراز نشد. بدین شرح که یک گروه نظامی برای دستگیری چند چریکی بدون آنکه قصد قتل آنان را داشته باشد، نقشه کشیدند. در این حین، یکی از نظامیان چند تیر هوایی زد که در نتیجه، یک درگیری ناخواسته رخ داد و نهایتاً یکی از چریکی‌ها به وسیله یکی از اعضای آن گروه نظامی به قتل رسید. در این پرونده چنین استدلال شد که آن گروه نظامی قصد قتل چریکی‌ها را نداشته و جرم ارتكابی بسیار جدی‌تر از آنچه که مقصود بوده، است.^۶ چه بسا اگر

1. See: Ibid., Para 231-233.

2. Giustizia penale, 1950, part II, cols. 696-697. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 217.

3. "Milan Martić".

میلان مارتیچ که از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ متصدی پست‌های متعدد حکومتی، نظیر ریاست جمهوری و وزارت دفاع یوگسلاوی سابق، بود، به دلیل دست داشتن در فعالیت مجرمانه مشترک علیه جمعیتی از مردم غیر صرب منطقه و وقوع چند فقره قتل در خلال انتقال اجباری آنان، در دادگاه بدوی در سال ۲۰۰۷ محکوم به سه فقره قتل و چندین مورد نقض آداب جنگی شد و دادگاه تجدیدنظر نیز با اندکی تغییرات، مجازات ۳۵ سال حبس او را ابرام کرد.

4. Case Information Sheet, Milan Martić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, p. 1.

5. Popović and others, Appeal Judgment, para. 1698.

6. Tadic Appeal Judgment, Para 216.

قصد مشترک، ضرب و شتم خصوصاً همراه با استفاده از اسلحه بود، آنها به جرم قتل محکوم می‌شدند. ظاهراً در چنین پرونده‌هایی، حمل و استفاده از اسلحه، اماره‌ای برای مفروض دانستن ملاک قابلیت پیش‌بینی بوده است. کما اینکه در پرونده‌ای دیگر، دادگاه عدم حمل اسلحه را از نشانه‌های فقدان نقش فعال و مؤثر در عملیات مجرمانه دانسته است.^۱

۱.۳. تطبیق با سایر انواع مشارکت جنایی

جایگاه منطقی بررسی دامنه شمول یک نظریه در تعریف و ماهیت شناسی آن می‌گنجد. بدین ترتیب به مقایسه‌ای میان فعالیت مجرمانه مشترک با شرکت و معاونت در جرم می‌پردازیم.

۱.۳.۱. شرکت

شرکت در جرم بدین صورت است که همه افراد دخیل تمام یا بخشی از عنصر مادی جرم را مرتکب می‌شوند و تمامی آنان به عنوان مباشر جرم مسئول خواهند بود.

از وجوه مشترک شرکت با فعالیت مجرمانه مشترک این است که نتیجه نهایی هر دو، مسئولیت برابر افراد دخیل است. ضمن آنکه اگر عنصر روانی شرکت در جرم را فقط قصد و علم^۲ بدانیم، آنگاه با عنصر روانی دسته‌های اول و دوم و اگر عنصر روانی شرکت در جرم را علاوه بر قصد و علم، سهل‌انگاری و مسامحه^۳ نیز بدانیم، با عنصر روانی لازم در دسته سوم از فعالیت مجرمانه مشترک مشابه می‌شود.

تفاوت اصلی این است که در شرکت لازم است تمامی افراد مرتکب عنصر مادی جرم شوند؛ در حالی که در فعالیت مجرمانه مشترک، صرف همدستی در یکی از جنبه‌های طرح یا هدف مشترک برای بار شدن مسئولیت مباشرت در جرم کافی است.

1. Judgement of 12 September 1946, in Archivio penale, 1947, Part II, pp. 88-89. Sited in: Tadic Appeal Judgment, Para 217.

۲. مانند بند ۱ ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

۳. مانند نظر پذیرفته شده در پرونده Hinselmann & Others در محکمه استیناف در ناحیه تحت کنترل انگلستان در آلمان در سال ۱۹۴۷، مذکور در Antonio Cassese, International Criminal Law, P.147؛ این منبع در کتاب «دادگاه کیفری بین‌المللی»، نوشته دکتر حسین میرمحمد صادقی، صفحه ۱۵۴ آمده است.

۱.۳.۲. معاونت

معاون جرم کسی است که بدون آنکه شخصاً به اجرای جرم منتسب به مباشر پردازد، با رفتار خود عامداً وقوع جرم را تسهیل کند و یا مباشر را به ارتکاب آن برانگیزد.^۱ البته در برخی موارد، بعضی از مصادیق معاونت مستقلاً جرم‌انگاری شده‌اند؛ نظیر تشویق به ارتکاب جرم نسل‌کشی مستند به ماده (۵)(۳) ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که این دسته از جرم‌انگاری‌های مستقل مورد بحث ما نیست. از آنجا که تمامی مصادیق همدستی در جرم در نظریه فعالیت مجرمانه مشترک با جمع شرایط موجب مسئولیت افراد می‌شود، از این منظر نظریه مذکور نزدیک به مفهوم معاونت است. در مقام مقایسه این نظریه با مساعدت و تحریک^۲ (معاونت) چنین بیان شده است:^۳

۱. مساعدت‌کننده و تحریک‌کننده وسیله‌ای فرعی و تبعی برای ارتکاب جرم از سوی دیگری هستند.

۲. در خصوص مساعدت و تحریک، نیازی به اثبات وجود یک برنامه مشترک مرتبط نیست.

۳. در مساعدت و تحریک، عنصر روانی، علم به این امر است که اقدامات صورت‌گرفته از سوی این افراد به ارتکاب جرم خاصی کمک می‌کند. اما در فعالیت مجرمانه مشترک، چیزهای بیشتری نظیر قصد ارتکاب جرم یا قصد دنبال کردن طرح مجرمانه مشترک به اضافه پیش‌بینی در دسته سوم لازم است. این تفاوت در عنصر روانی مورد توجه برخی دیگر از نویسندگان نیز قرار گرفته است.^۴

به نظر می‌رسد که موارد مذکور دقیقاً مرز میان فعالیت مجرمانه مشترک و معاونت در جرم را مشخص نمی‌کند. ضمن اینکه مورد دوم با انتقاد روبرو است؛ زیرا آن چیزی که در معاونت به عنوان عنصر روانی لازم می‌باشد، وحدت قصد میان مباشر و معاون است. این امر مشابه عنصر روانی در فعالیت مجرمانه مشترک، یعنی داشتن طرح یا هدف مشترک، است. به خصوص آنکه در آرای متعددی این امر تصریح شده است که هدف یا طرح مشترک امکان دارد به صورت

۱. اردبیلی، محمدعلی، پیشین، صص ۹۵-۹۴.

2. aid and abet.

3. Tadic Appeal Judgment, Para 229.

4. For instance see: Catherine H. Gibson, op.cit, 524.

ارتجالی به وجود آید و صرفاً از تلاشی هماهنگ استنباط شود.^۱ کما اینکه در معاونت هم توافق پیش‌بینی بر ارتکاب جرم لازم نیست و همین اندازه که معاون، مباشر را قاصد بسازد و برای تحقق این قصد یاری کند، وحدت قصد به وجود آمده است.^۲

لذا به نظر می‌رسد که نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، از آنجا که در پی مباشرت‌انگاری مصادیق معاونت در قالب فعالیت در یک گروه مجرمانه با هدف مشترک است، ظاهراً تفاوت عمده‌ای با معاونت در جرم ندارد. تنها چیزی که باقی می‌ماند، سطح مسئولیت کیفری افراد پیش‌گفته است؛ دست‌کم در معاونت به مفهوم استعاره‌ای ناقص، سطح مسئولیت معاون نسبت به مباشر جرم متفاوت است؛ درحالی‌که در فعالیت مجرمانه مشترک، پیش‌فرضی در خصوص متفاوت بودن یا کمتر بودن سطح مسئولیت همکاران وجود ندارد.

۱.۴. منابع نظریه فعالیت مجرمانه مشترک

همسو با اینکه در حقوق جزا، جایگاه منطقی تعریف و ماهیت‌شناسی هر جرم در آیین متون قانونی به دست می‌آید، اینک در پایان بحث از ماهیت و تعریف فعالیت مجرمانه مشترک به بررسی منابع حقوقی این سبک از مسئولیت کیفری می‌پردازیم.

۱.۴.۱. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

اساسنامه مذکور به صراحت مفاد این دکترین را متذکر نمی‌شود، اما دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در بسیاری از رسیدگی‌های خود بر این باور بوده است که بند ۱ ماده ۷ و نیز مواد ۲ تا ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، مسئولیت مجرمانه را صرفاً محدود به کسانی نمی‌کند که واقعاً و عیناً مرتکب جرم شده‌اند؛ بلکه این مواد در پی توسعه و تسری مسئولیت به سایر مجرمین نیز است.^۳ بند ۱ ماده ۷ اشعار می‌دارد: «فردی که برنامه‌ریزی کرده، تحریک کرده، دستور داده، اجرا کرده یا به طرق دیگری معاونت در

1. Tadic Appeal Judgment, Para 227 Milan Martić, Appeal judgment, para. 437; [Sainovic and others](#), Appeal judgment, para 609.

۲. اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۱۱۳.

3. See: Tadic Appeal Judgment, para 189; Krnojelac Milorad Appeal Judgment, para 73; Kvočka and others, Appeal Judgment, para. 79.

برنامه‌ریزی، آماده‌سازی یا اجرای جرمی از جرایم مندرج در مواد ۲ تا ۵ اساسنامه حاضر نموده، باید شخصاً مسئول آن جرم باشد».

استناد به بند ۱ ماده ۷ این اساسنامه در خصوص فعالیت مجرمانه مشترک به عنوان مسئولیتی مضاف بر مسئولیت مندرج در بند ۳ این ماده، مورد توجه حقوق دانان دیگر نیز قرار گرفته است.^۱

۱.۴.۲. عرف بین‌المللی

در پرونده تادیج شعبه تجدیدنظر معتقد است که این مفهوم به عنوان یک مدل از مسئولیت مشارکتی در حقوق بین‌الملل عرفی استقرار یافته است.^۲ اکنون منابعی که در شکل‌گیری این عرف بین‌المللی نقش داشته است، ذکر می‌شود. گفتنی است، با آنکه منابع زیر مستقلاً برای آن دادگاه لازم‌الاجرا نبوده است، اما مجموعه آنها چنانچه عنوان عرف بین‌المللی به خود بگیرد، به همین عنوان قابل استناد خواهد بود.

۱.۴.۲.۱. پرونده‌های بین‌المللی

بسیاری از پرونده‌های کیفری بین‌المللی منبع شعبه تجدیدنظر در پرونده تادیج برای استخراج سه دسته از فعالیت مجرمانه مشترک بوده است. پرونده‌هایی نظیر جپسن و دیگران^۳، فوتستین و دیگران^۴، هولزر^۵، کرامر و دیگران^۶ و هیر و شس نفر دیگر^۷ که شرح آنها در ارتباط با دسته‌های سه‌گانه فعالیت مجرمانه مشترک ذکر شد.

1. See: Gideon Boas and William A. Schabas, International Humanitarian Law Series, volume 6, International Criminal Law Developments in the Case Law of the ICTY, Martinus Nijhoff Publishers, 240 and 241.

2. Tadić Appeal Judgment, Para 220.

3. Trial of Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany.

4. Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany.

5. Holzer et al., Canadian Military Court, Aurich, Germany, Record of Proceedings 25 March-6 April 1946. Sited in: Tadić Appeal Judgment, Para 197.

6. Trial of Josef Kramer and 44 others, vol. II, Para 121. Sited in: Tadić Appeal Judgment, Para 202.

7. Trial of Erich Heyer and six others, para 89. Sited in: Tadić Appeal Judgment, Para 207.

۱.۴.۲.۲. کنوانسیون منع بمب گذاری تروریستی^۱

شعبه تجدیدنظر در پرونده تادیج بیان می‌دارد که ماهیت نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در کنوانسیون منع بمب‌گذاری تروریستی نیز بیان شده است که طبق ماده C(3)2 آن، حملات مدنظر این کنوانسیون از طریق کسی ارتکاب می‌یابد که علاوه بر طرق مشارکت، معاونت، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری با هدفی مشترک برای ارتکاب جرایم مذکور در یک گروه شرکت می‌کند. این کنوانسیون مورد تأیید تمامی اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته و لذا به عنوان نشانه‌ای دال بر شکل‌دهی عرف بین‌المللی مدنظر، حائز اهمیت است.^۲

۱.۴.۲.۳. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی^۳

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده D(3)25 بیان می‌دارد که یک شخص به دلیل ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان، از جمله زمانی مسئولیت دارد که از طریق گروهی از اشخاص و با هدف مشترک به هر شکل دیگری (غیر از تحریک، دستور دادن و ...) در ارتکاب یا تلاش برای ارتکاب جرم مشارکت عمدی کرده باشد. بدین ترتیب، با اینکه برخی از محققین بر این باورند که نظریه فعالیت مجرمانه مشترک به دلیل ایرادات بنیادین بر اریکه پایداری استوار نشده است،^۴ اما پذیرش آن در این سند معتبر ظاهراً خلاف این ادعا را نشان می‌دهد! باین حال، به نظر نگارنده، دسته سوم از فعالیت مجرمانه مشترک از مفاد این ماده قابل برداشت نیست.

۲. مبانی و اهداف نظریه فعالیت مجرمانه مشترک

اکنون باید پرسید که دلیل آفرینش این نوع از مسئولیت کیفری و ضرورت اعمال آن چیست؟ در خلال ذکر برخی از مبانی، به فراخور، به طرح و جرح برخی انتقادات وارد شده بر آن می‌پردازیم.

۱. این سند از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه شماره ۵۲/۱۶۴ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ به تصویب رسید.

2. Tadic Appeal Judgment, Para 221.

۳. این سند از طریق کنفرانس دیپلماتیک رم در ۱۷ ژوئای ۱۹۹۸ به تصویب رسید.

۴. رای مشاهده این نظر و دلایل آن، ر.ک: خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، **مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، ۱۳۹۲، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۹.

۲.۱. همسانی میزان سرزنش پذیری

استدلال عمده در امکان تسری مسئولیت کیفری به همدستانی که عیناً جرم را مرتکب نشده‌اند، مبتنی بر میزان سرزنش‌پذیری بالای آن افراد است. بنا به تصریح رأی پرونده تادیچ، در اکثر مواقع، وقوع جرایم بین‌المللی در نتیجه گرایش مجرمانه یک فرد نیست؛ بلکه مظهر یک بزهکاری دسته‌جمعی و میزان قبح اخلاقی این اعمال دست‌کم برابر با عمل مجرمانه اصلی است؛^۱ حال آنکه اگر دیگران را فقط محرک و معاون بدانیم، در واقع درجه مسئولیت مجرمانه آنان را کتمان کرده و دست‌کم گرفته‌ایم.^۲ در جرایمی که طبع مشارکت و همدستی دارند، تمایز قبح فاعلی میان مباشر و معاون آنقدر کم‌رنگ می‌شود که سبک‌تر شمردن مسئولیت کیفری برای معاونین، توجیهی نخواهد داشت.

۲.۲. دشواری در تمایز بازیگران جرم دسته‌جمعی

طبیعت اغلب جرایم بین‌المللی اقتضای ارتکاب به صورت گروهی و دسته‌جمعی دارد و در این موارد تعیین نقش دقیق هریک از اشخاص دخیل اگر امری غیرممکن نباشد، بسیاری دشوار است.^۳ برخی از اندیشمندان معتقدند که اتفاقاً فقط در صورتی می‌توان به این نوع از مسئولیت استناد کرد که نتوان با قطعیت و بدون شبهه اثبات کرد که چه کسی شخصاً عنصر مادی جرم را مرتکب شده است.^۴ البته اگر مبنای نخست مبنی بر همسانی سرزنش‌پذیری همدستان را بپذیریم، نیازی به طرح این دیدگاه نخواهد بود.

۲.۳. شخصی‌سازی مجازات‌ها

وجود تناسب میان شدت و میزان مجازات با عنصر روانی بزهکار در حین ارتکاب جرم نیز از مصادیق شخصی‌سازی مجازات‌هاست. در نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، همسان‌انگاری سطح مسئولیت کیفری تمام همدستان، یک فرض است و لزوماً به معنی تساوی مجازات آن افراد نیست. اتفاقاً به نظر نگارنده، مکمل این هم‌سطح‌انگاری، باز بودن دست قاضی برای تشخیص

1. elalic and others, Appeal Judgment, Para 191.

2. Ibid., Para 192.

3. ethan ,Claire and shorts Edwin, "International Criminal Law and Human Rights", p. 7.

۴. میرمحمدصادقی، حسین، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، ص ۱۶۶.

میزان مجازات متناسب با سطح مشارکت مجرمین و سرزنش‌پذیری آنان است. در واقع این عرف است که در هر پرونده‌ای با توجه به اوضاع و احوال خاص، میزان سرزنش‌پذیری افراد را مشخص می‌کند، نه فقط یک فرمول از عنصر مادی جرم. البته وجود یک نظام کیفردهی کارآمد و سنجش‌گر در دستگاه قضایی، پیش‌نیاز اعمال این نظریه است. همسانی سطح مسئولیت کیفری به معنای لزوم برابری سطح مجازات نیست و همان‌طور که در پرونده میلان مارتیچ تأکید شده است، شدت جرم و هر اوضاع و احوال مرتبط، بسته به سطح مشارکت و اقدامات متهم و با وجود برابری مسئولیت، امکان افزایش یا کاهش مجازات و ایجاد تناسب وجود خواهد داشت.^۱

۲.۴. اثر ارعایی

درباره این هدف، قانون‌گذار در انتخاب مجازات‌ها به نوع و شدت و ضعف آن توجه دارد تا رعب و هراس به وجود آورد.^۲ البته در خصوص ماهیت و میزان اثرمندی این هدف، نظر مخالف هم وجود دارد،^۳ اما فارغ از آن، می‌توان نظریه فعالیت مجرمانه مشترک را نه از رهگذر بهره‌گیری از کیفرهای سخت، بلکه از نظر افزایش سطح مسئولیت معاونین و سایر همدستان، واجد اثر ارعایی برای آنان دانست.

۳. انتقادات

۳.۱. نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات

در بیشتر انتقادات وارده بر نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، رعایت نکردن اصل قانونی بودن در توسل به این مبنا برای محکومیت به چشم می‌خورد؛ به این بیان که این نظریه بیشتر یک ابداع و خلاقیت قضایی است تا یک دکترین پذیرفته شده در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

1. Milan Martić, Appeal judgment, para. 84.

۲. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، ص ۳۴.

۳. برای مثال، ر.ک: بولک، برنار، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، ص ۳۲.

برای یوگسلاوی سابق.^۱ این ایراد در بیشتر پرونده‌های مطروح در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق از سوی متهمان عنوان شده است؛ برای مثال در پرونده میلان مارتیچ در سال ۲۰۰۸ م، متهم در مقام دفاع چنین اذعان داشت که توسل به نظریه فعالیت مجرمانه مشترک مغایر با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست؛ با این استدلال که اولاً این نظریه قاعده‌ای از قواعد عرفی بین‌المللی نیست و صرفاً در تعداد بسیار کمی از پرونده‌های بعد از جنگ جهانی دوم از آن استفاده شده است؛ ثانیاً اساسنامه یوگسلاوی نیز آن را تأیید نکرده و این یک برداشت و تفسیر غیرمجاز از متن اساسنامه است.^۲

با آنکه دیدگاه‌های مختلفی در خصوص چگونگی جریان اصل قانونی بودن در حقوق بین‌الملل مطرح است،^۳ با عنایت به تجربیات تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی که جواز استناد به عرف مسلم را داده^۴ و عطف نظر به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در قسمت اخیر ماده ۲۲ خود این راه را باز گذاشته است،^۵ شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، استقرار آن را در عرف بین‌المللی از رهگذر تحلیل آرای قبل از سال ۱۹۹۱ یادآوری می‌کند.^۶ همچنین معتقد است که بند ۱ ماده ۷ اساسنامه که قبلاً ذکر شد، به صورت تلویحی این نوع فعالیت مجرمانه جمعی را پذیرفته است.

۳.۲. نادیده گرفتن رابطه انتساب

گفته می‌شود که اگر بپذیریم قبح فاعلی معاون کمتر از مباشر نیست، آنگاه لزوم وجود رابطه انتساب مادی برای تحقق مباشرت در جرم را نادیده گرفته‌ایم. ایراد عدم رعایت رابطه انتساب به

۱. جانی‌پور، مجتبی و معصومه لادمخی، مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌الملل، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۶، ص ۱۵۷.

2. defence Appeal Brief, paras. 42-43 and 49. Sighted in Milan Martić, Appeal Judgment, para. 72.

۳. برای مشاهده مجموع این نظرات، نک: مؤمنی، مهدی، اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۵۵، صص ۱۸۴-۱۵۹.

۴. برای مثال، جرم «نسل‌کشی» پیش از آنکه در سال ۱۹۴۸ مستقلاً عنوانی مجرمانه بیابد، در آرای صادره از محاکم کیفری توکیو و نورنبرگ به عنوان مصداقی از جنایات علیه بشریت مورد حکم قرار می‌گرفت.

۵. این ماده پس از تأکید بر اصل قانونی بودن جرم و نیز تأکید بر مفاد اساسنامه، بیان می‌دارد: مقررات این ماده مانع از آن نیست که رفتاری از دیدگاه حقوق بین‌الملل و مستقل از این اساسنامه، جرم تلقی شود.

6. adic Appeal Judgment, paras. 194-220; Milan Martić, Appeal Judgment, paras. 80-81.

این بیان نیز مورد توجه متهمین بوده است که مسئولیت کیفری نمی‌تواند بر یک شخص بار شود، درحالی که جرم توسط دیگری ارتکاب یافته است.^۱

این انتقاد از چندین نظر با مشکل روبه‌رو است. اول اینکه موضوع این انتقاد، خود محل نزاع است و تفاوت اصلی ایده فعالیت مجرمانه مشترک با سایر ایده‌هاست. به صورت تاریخی، سیر توجه به نیات مجرمانه بر پیش‌ساخت‌های عنصر مادی هر جرم استوار بوده‌است. کمالینکه تا پیش از قرن دوازدهم میلادی، توجه عمده به عنصر مادی جرم بود و عنصر روانی نادیده انگاشته می‌شد.^۲ اما اگر بنا بر قائل شدن به تمایز میان مباشر و معاون باشد، باید این تفکیک را بر اساس عنصر روانی قائل شویم، نه بر اساس فرمولی از پیش تعیین شده به نام عنصر مادی که چه بسا بتوان ادعا کرد این فرمول هیچ‌گاه خود را با شرایط مستحدثه جوامع و طرق نوین بزهکاری وفق نمی‌دهد.

ایراد دوم بر این انتقاد این است که نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، عنصر مادی و رابطه انتساب را به کلی به فراموشی نمی‌سپارد، بلکه یک عنصر مادی جدید معرفی می‌کند که عبارت است از عضویت در گروه و نیز همکاری در پیشبرد هدف گروه. چیزی که جرم را به اعضای گروه مجرمانه منتسب می‌کند، همکاری قابل توجه یا آن‌گونه که در پرونده تادیج مقرر شد، مشارکت فعال^۳ است و در واقع فعل یا ترک فعل متهم باید میان زنجیره علل وقوع جرم، اتصال^۴ ایجاد کرده باشد.^۵ بی‌تردید عدم همدستی، عدم مشارکت فعال و عدم همکاری قابل توجه هیچ‌گاه موجب پیدایش مسئولیت کیفری نخواهد شد.

۳.۳. وسعت قلمرو نظریه

گفته می‌شود این نظریه با گسترش محدوده مسئولیت کیفری، موجب ایجاد نگرانی و نقض اصول در خصوص مسئولیت کیفری فردی می‌شود.^۶ با اینکه چنین انتقادی در خصوص دسته‌های اول و دوم دستاویز کمتری برای توجیه دارد، اما درباره دستة سوم این مسئله مطرح

1. defence Notice of Appeal, para. 19 sighted in Milan Martić, Appeal Judgment, para. 73.

۲. اسماعیلیان، شاپور، «اندیشه مجرمانه تا تحقق فعل مجرمانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۷۴-۱۳۷۳، ص ۵.

3. see: Tadić Appeal Judgment, Para 232.

4. Link”.

5. Blagojević, Trial Judgment, para. 702.

۶. خالقی، ابوالفتح و میرزایی مقدم، پیشین، صص ۱۱۳-۱۱۲.

است که اگر در فعالیت مجرمانه مشترک قتلی خارج از طرح و هدف مشترک واقع شود، برای محکومیت فرد به ارتکاب قتل باید قصد خاص او مبنی بر سلب حیات اثبات شود؛ درحالی که سایر اشخاص دخیل به صرف اینکه چنین قتلی را پیش بینی می کردند، مسئول شمرده می شوند و نیازی به اثبات قصد خاص در آنها نیست.^۱ این ایراد در پرونده پوپویچ نیز از سوی متهم با این بیان مطرح شد که جرم اذیت و آزار^۲ یک جرم با سوءنیت خاص بوده است و نمی تواند وارد در دسته سوم شود؛ اما شعبه تجدیدنظر در آن پرونده دلیلی بر صحت این ادعا نیافت و اتفاقاً شمول جرایم با سوءنیت خاص در این دسته را رویه ای متداول در پرونده های سابق دانست.^۳

گفتنی است که این ایراد اختصاصی به نظریه مذکور ندارد. چراکه در بحث از نوعاً کشندگی نیز که در برخی نظام های حقوقی پذیرفته شده است^۴ و در فرضی که آن را مشابه با علم داشتن دانست، اثبات سوءنیت خاص متهم لازم نیست و اتفاقاً او باید عدم علم خود را ثابت کند.

با رد ایراد مزبور، باید گفت که این نظریه با تکمیل و متمم نواقص و مفرهای احتمالی، سعی در جلوگیری از بی کیفر ماندن افرادی نموده است که نه مرتکب فیزیکی جرم بوده و نه مافوق مرتکبین آن بوده اند، اما به واسطه نقش قابل توجه خود در گروه امکان پیشامد اعمال مجرمانه را سهل الوقوع تر ساخته اند؛ تاجایی که حتی برخی معتقدند نظریه فعالیت مجرمانه مشترک در احراز مسئولیت کیفری رهبران سیاسی، خصوصاً در جرایم سازمان یافته و پیچیده نظیر تروریسم، نیز قابل استناد و کارآمد بوده است و از بی کیفر ماندن مجرمین این جرایم از طراح تا مجری جلوگیری می کند^۵ و نظر به این مراتب، وسیع بودن قلمرو نظریه فی نفسه نه فقط ایرادی ندارد، بلکه کارآمد نیز است.

۱. همان، ص ۱۰۹.

2. persecution”.

3. popovic and others, Appeal Judgment, Para. 1708.

۴. برای مثال و در حقوق ایران، بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۵. رهامی، محسن و سید محمدرضا موسوی فرد و راحله سید مرتضی حسینی، **مسئولیت کیفری بین المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی رتبه سیاسی**، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲، صص ۲۴۲-۲۱۹.

۳.۴. شدت گرای کیفری

ممکن است گفته شود که عمل به نظریه فعالیت مجرمانه مشترک، مستلزم تشدید مجازات همدستان و در نتیجه نزدیکی این نظریه به اهداف سزاگرایی است.

اما حتی اگر این نظریه را واجد صبغه سزاگرایی بدانیم، باز شواهدی مبنی بر کارآمدی اعمال سخت‌گیری بر مجرمین بین‌المللی نیز وجود دارد. بدون اینکه قصد این مقاله لزوماً تأیید این دیدگاه باشد، باید گفت به نظر می‌رسد که هدف اصلی از برپایی محاکم کیفری بین‌المللی، عمدتاً ارضای حس آسودگی جامعه بین‌المللی، به عنوان بزرگ‌ترین بزه‌دیده، از بی‌کیفر نماندن ناقضین ارزش‌های مشترک جهانی^۱ است و در خصوص زمینه‌های تشکیل محکمه یوگسلاوی سابق، می‌توان به صدور قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص زیرپا نهادن کرامت انسانی ۱۳ اوت ۱۹۹۲ میلادی، نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (۶ اکتبر ۱۹۹۲ میلادی) و بازداشت و هتک حرمت زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی) اشاره کرد. گفته می‌شود که یکی از دلایل ارتکاب چنین جرایمی، ضعف نهادهای بین‌المللی در برخورد با مسببین اصلی است^۲ و تقاضای مردم، زمینه را برای بازگشت به کیفرهای شدید و پدیدار شدن نظریه ریسک جرم^۳ فراهم آورده است^۴ و حتی بعضی از جرم‌شناسان با ادعای شکست جرم‌شناسی اصلاح و درمان، دوباره بر جنبه تنبیهی کیفر تأکید می‌ورزد.^۵ عدم پیش‌بینی مجازات اعدام در اساسنامه محاکم یوگسلاوی سابق^۶، رواندا^۷ و دیوان کیفری بین‌المللی^۸ نیز شاید نه از سر رواداری کیفری، بلکه به دلیل مغایرت آن با اسنادی نظیر دومین پروتکل اختیاری پیمان نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص لغو مجازات اعدام در سال ۱۹۸۹ م و نیز شالوده فکری کشورها و

۱. در خصوص این ارزش‌ها، دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، از میراث مشترک ملت‌ها یاد می‌کند.

۲. میرمحمد صادقی، حسین، *حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)*، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

۳. برای مطالعه این مفهوم نک: عبداللهی، افشین، «تحولات اهداف مجازات‌ها در پرتو نظریه ریسک جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۸۹-۱۳۸۸.

۴. همان، ص ۱۲۰.

۵. بولک، برنار، منبع پیشین، ص ۲۸.

۶. ماده ۲۴.

۷. مواد ۲۳، ۲۶ و ۲۷.

۸. ماده ۷۷.

سازمان‌های مبدع این محاکم کیفری بوده باشد که مجازات اعدام را بر نمی‌تابد و این اندیشه بر حقوق جزای بین‌الملل هم تأثیر خود را گذاشته است.

علاوه بر این، شخصی که بار کیفر را به دوش می‌کشد، دارای شرایط خاص خود است و از آنجا که محاکم بین‌المللی توان و ابزار شناخت دقیق اوصاف فردی بزهکار را با عنایت به جامعه‌ای که او از آن برخاسته است، ندارند، احتمال به کارگیری موفقیت‌آمیز اقدامات اصلاحی کاهش می‌یابد.

در پاسخ سوم باید گفت که به عقیده این نوشتار، مفاد این نظریه نه فقط ذاتاً مبتنی بر سخت‌گیری افراطی نیست، بلکه موجبات تطبیق هر چه بیشتر حقوق کیفری را با موازین انصاف و عدالت فراهم می‌آورد. همسان‌انگاری مسئولیت کیفری همدستان یک گروه مجرمانه، از این نظر که راه فرار معاون سرزنش‌پذیر را از مسئولیت اصلی جرم می‌بندد و نیز امکان ارفاق‌دهی هرچه بیشتر به مباشر کم‌خطرتر را در مرحله تعیین مجازات فراهم می‌آورد، انطباق بیشتری با واقعیت ارتکاب بسیاری از جرایم جنگی دارد.

نتیجه گیری

حقوق کیفری بین‌المللی از آنجا که مانند برخی نظام‌های حقوق داخلی اسیر بداهت‌انگاری‌های آموزه‌های سنتی نیست، شاهد طرح نظریاتی نوین در چارچوب جرم‌انگاری و کیفردهی است که بررسی نقاط قوت و ضعف آنها، باب آشنایی هرچه بیشتر با اندیشه‌های گوناگون را می‌گشاید. در این مسیر شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، برای نخستین بار در پرونده تادیچ، مفاد نظریه فعالیت مجرمانه مشترک را به شکلی ساختارمند ارائه کرد و پس از آن این نظریه در پرونده‌های مشابه به کرات مورد استناد قرار گرفت. این نظریه نوعی مسئولیت کیفری برای افرادی است که در قالب یک گروه به اقداماتی در راستای دستیابی به هدف، طرح یا برنامه مجرمانه مشترک دست می‌زنند که در صورت جمع شرایط لازم، همگی آنان به صورت مساوی، مسئول جرم ارتکاب یافته در اثر فعالیت گروه هستند. البته فعالیت مجرمانه مشترک نیز همانند مفاهیمی چون شرکت و معاونت، از مبانی مسئولیت کیفری است که هیچ‌کدام دفعتاً خلق نشده و هر یک برآمده از مقتضیات و نیازمندی‌های جوامع بوده‌اند. به همین دلیل در برخی مصادیق هم‌پوشانی دارند.

با وجود انتقادات وسیع از این نظریه نوپا، می‌توان مبانی مستحکمی در توجیه آن آورد. میزان سرزنش‌پذیری برابر همدستان با مباشر اصلی جرم، از اصلی‌ترین مبانی این نظریه است. این، فاعل جرم و نیت شوم اوست که ارزش‌های جامعه را تهدید می‌کند و او را نیازمند بازپروری می‌نماید، نه صرف رفتار ارتكابی از سوی او. در این ادعا، دیگر انتساب عنصر مادی از قبل تعریف‌شده جرم به فرد، تکیه‌گاه اصلی بار شدن مسئولیت کیفری نیست. این نظریه نافی لزوم ارتکاب افعال مادی به طور کلی نیست، اما عنصر مادی جرم را اعم از یک تعریف مضیق از عنصر مادی می‌داند تا شمول مسئولیت کیفری جرم اصلی، ناتوان از دربرگیری مصادیق نو ظهور نحوه ارتکاب جرایم در هر زمانی نباشد. در این مسیر، جرم‌انگاری مستقلانه برخی از مصادیق معاونت و همدستی، فقط گزینه‌ای موقتی می‌نماید.

مفاد نظریه فعالیت مجرمانه مشترک نه تنها ابتدایی بر شدت‌گرایی کیفری ندارد، بلکه مطابق با موازین انصاف و عدالت است. مکمل این نظریه و یکی دیگر از مبانی آن، دادن اختیار به قاضی برای سنجش اوضاع و احوال خاص هر پرونده و میزان مشارکت فعال و مؤثر شخص

همدست برای تعیین مجازات اوست. چراکه با هم سطح انگاری مسئولیت کیفری این افراد، دیگر مجازات یکی لزوماً کمتر یا بیشتر از دیگری نیست و راه برای شخصی کردن مجازات‌ها باز است. تنها نکته قابل تأمل، دسته سوم از این نظریه است که اهمال در پیش‌بینی نتایج مجرمانه خارج از هدف مشترک گروه را موجب پیدایش مسئولیت می‌داند. اما چنین رویکردی اساساً به دنبال تتمیم نواقص احتمالی در شمول بار کردن مسئولیت کیفری بر مسببین اصلی جنایات بوده است و با وجود لزوم برخورد محتاطانه و مضیق، می‌توان آن را همسو با طبیعت گسترده و پیچیده بیشتر جرایم بین‌المللی و گامی در راستای تطبیق هرچه بیشتر قوانین با واقعیات جامعه دانست.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اردبیلی، محمد علی، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۲.
۲. اردبیلی، محمد علی، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۳، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۳. بولک، برنار، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: انتشارات مجد، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۴. میرمحمدصادقی، حسین، **دادگاه کیفری بین‌المللی**، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۳.
۵. میرمحمد صادقی، حسین، **حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)**، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.

مقاله

۶. برنازاده، پژمان و علیرضا سایبانی، **نحوه بازنگری از آراء دادگاه‌های کیفری بین‌الملل**، فصلنامه تازه‌های حقوقی مجله حقوقی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱.
۷. جانی‌پور، مجتبی و معصومه لادمخی، **مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌الملل**، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۶.
۸. خالقی، ابوالفتح و مرتضی میرزایی مقدم، **مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک**، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، ۱۳۹۲، شماره ۱.
۹. ذاکریان، مهدی و مهدی آقاعلیخوانی، **بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق؛ فعالیت‌ها و دستاوردها**، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۹۱، شماره ۱.
۱۰. رهامی، محسن و سید محمدرضا موسوی فرد و راحله سید مرتضی حسینی، **مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمایت از تروریسم با تأکید بر مسئولیت مقامات عالی رتبه سیاسی**، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۲.
۱۱. کریستوفر گرین‌وود، **دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق**، ترجمه مهرداد سیدی، دوره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۴، شماره‌های ۱۹-۱۸.
۱۲. مؤمنی، مهدی، **اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی**، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۵۵.

۱۳. محسنی، فرید، **مرزهای دقیق مسئولیت فردی بر اساس دکترین مسئولیت کیفری جمعی**، دیدگاه‌های حقوق قضایی، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۸.
۱۴. محمدی، قاسم و احسان عباس زاده امیر آبادی، **رویکرد جرم‌شناختی به مقوله مشارکت جنایی**، پژوهش حقوق کیفری، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۲.
۱۵. ملکی‌زاده، امیرحسین، **ضابطه کنترل در نظام مسئولیت بین‌المللی وحدت یا تعارض رویه قضایی بین‌المللی**، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۸۲.

رساله و پایان‌نامه

۱۶. اسماعیلیان، شاپور، «اندیشه مجرمانه تا تحقق فعل مجرمانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۷۴-۱۳۷۳.
۱۷. آقای جنت‌مکان، حسین، «مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق بین‌الملل کیفری»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۱۸. عبداللهی، افشین، «تحولات اهداف مجازات‌ها در پرتو نظریه ریسک جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۸۹-۱۳۸۸.

منبع الکترونیک

۱۹. مرکز حقوق کیفری بین‌المللی ایران <http://www.icicl.org>

ب) منابع انگلیسی

Books

20. Dethan, Claire and shorts Edwin, *International Criminal Law and Human Rights*, Sweet Maxwell London, 2003.
21. Gideon Boas and William A. Schabas, *International Humanitarian Law Series*, volume 6, International Criminal Law Developments in the Case Law of the ICTY, Martinus Nijhoff Publishers.
22. William A. Schabas, *An Introduction To The International Criminal Court*, Cambridge University Press, 2007.
23. Iryna Marchuk, *The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law*, Springer, 2013.

Articles

24. Ambos, Kai, "Joint criminal Enterprise and Command Responsibility", *Journal of International Criminal Justice* 5 (2007),.
25. Zahar, A. "How Judges Think: Strengthening Defence Approaches to Joint Criminal Enterprise and Closing Arguments", Annual Conference of the Defence Bar of the Court of Bosnia and Herzegovina, *Sarajevo*, 12 December, (2009).

26. Catherine H. Gibson, "Testing the Legitimacy of the Joint Criminal Enterprise Doctrine in the ICTY: A Comparison of Individual Liability for Group Conduct in International and Domestic Law", *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 18, No. 521, (2008).

Cases

27. Brdanin Radoslav, 3 April 2007, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-9621-A.
 28. Blagojevic, 17 January 2005, ICTY, Trial Judgment, Case No. IT-02-60-T.
 29. Case Information Sheet, Duško Tadić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.
 30. 4- Case Information Sheet, Milan Martić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.
 31. Delalic and others, 20 February 2001, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-9621-A.
 32. Duško Tadić, 15 July 1999, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-94-T.
 33. Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany.
 34. Kvočka and others, 28 February 2005, ICTY, Appeal Judgement, Case No. IT-98-30/1-A.
 35. Krnojelac Milorad, 17 September 2003, ICTY, Appeal Judgement, IT-97-25-A.
 36. Milan Martić, 8 October 2008, ICTY, Appeal Judgement, IT-95-11-A.
 37. Milutinovic and others, 26 February 2009, ICTY, Trial Judgment, Case No. IT-05-87-T.
 38. Prosecutor v. Milutinović and others, ICTY, Case No. IT-99-37-AR72.
 39. popovic and others, 30 January 2015, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-05-88-A.
 40. Sainovic and others, 23 January 2014, ICTY, Appeal judgment, Case No. IT-05-87-A.
 41. Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany.

References

A- Persian

Books:

1. Ardebili, Mohammad Ali, General Criminal law, Volume II, Tehran, Mizan Publications, 28th edition, 2013.
2. Ardebili, Mohammad Ali, General criminal law, Volume III, Tehran, Mizan Publications, 28th edition, 2013.
3. Bullock, Bernar, Penology, translated by Ali Hosein Najafi Abrand Abadi, Tehran, Majd Publications, 8th edition, 2008.
4. Mir Mohammad Sadeghi, Hosein, International Criminal Court, Tehran, Dadgostar Publications, 2004.
5. Mir Mohammad Sadeghi, Hosein, International Criminal Law (a Collection), Tehran, Mizan Publications, 1998.

Articles:

6. Borna Zade, Pejman and Saybani, Alireza, a Method for Reviewing the Judgements rendered by International Criminal Tribunals, Tazehay-e-Hoquqi Quarterly Journal, Spring of 2016, Issue 1, pp. 1-17.
7. Janipour, Mojtaba and Ladmekhi, Masume, a Broad Conception of Joint Criminal Enterprise under International Criminal Law, Pajuheshhay-e-Hoquqi Journal, second year, 2014, Issue 6, pp. 137-164.
8. Abolfath, Khaleghi and Mirzayi Moghaddam, Morteze, International Criminal Responsibility in Light of the theory of Joint Criminal Enterprise, Criminal Law Journal, 2013. Issue 1. Pp. 97-119.
9. Zakerian, Mehdi and Aghaalikhani, Mehdi, a Review of the International Criminal Court for former Yugoslavia; Efforts and Achievements, Foreign Policy Quarterly Journal, Issue 1, pp. 213-242.
10. Rahami, Mohsen; Mousavi Fard, Seyed Mohammad Reza; Seyed Morteza Hoseini, Rahele, International Criminal Responsibility for Protecting Terrorism Emphasizing the Responsibility of High-Level Political Authorities, Criminal law studies and criminology, Issue 3, 2, Pp. 219-242.
11. Christopher Greenwood, International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, translated by Mehrdad Seyyedi, 1996, Issue 5, pp. 18-19
12. Momeni, Mehdi, General Principles of Legality of Crime and Punishment in International Criminal Proceedings, International Legal Journal, 2016, Issue 55, pp. 159-184.
13. Farid, Mohseni, Accurate Boundaries of Personal Responsibility in accordance with the Theory of Collective Criminal Responsibility, Journal of Judicial Insights. 2010, Issue 48, pp., pp. 177-206
14. Ghasem, Mohammadi and Abbas Zade Amir Abadi, a Criminological Review of Criminal Participation, Journal of Criminal Law Studies, 2015, Issue 12, pp. 125-145.
15. Maleki Zade, Amirhosein, Criterion of Control in International Law of Responsibility; Consistency or Discord in International Jurisprudence, Journal of Judiciary, 2003, Issue 82, pp.162-191.

Thesis and Dissertations:

16. Shapour, Esmailian, Criminal Thought to Realization of Criminal Action, M.A. dissertation, Tehran, University of Tehran, 1994-1995.
17. Aghayi Jannat Makan, Hosein, Superior and Inferior Responsibility under International Criminal Law, doctoral thesis, Tehran, Shahid Beheshti University, 2005.
18. Abdollahi, Afahin, Developments in Philosophies of Punishment in Light of Crime Risk Theory, M.A. dissertation, Tehran, Shahid Beheshti University, 2009-2010.

Online resources

19. <http://www.icicl.org> - Iranian Center for International Criminal Law

B- Latin**Books**

20. Dethan ,Claire and shorts Edwin (2003), International Criminal Law and Human Rights, Sweet Maxwell London.
21. Gideon Boas and William A. Schabas, International Humanitarian Law Series, volume 6, International Criminal Law Developments in the Case Law of the ICTY, Martinus Nijhoff Publishers.
22. William A. Schabas, An Introduction To The International Criminal Court, Cambridge University Press, 2007.
23. Iryna Marchuk, The Fundamental Concept of Crime in International Criminal Law, Springer, 2013.
24. Ambos, Kai

Articles

- , Joint criminal Enterprise and Command Responsibility, Journal of International Criminal Justice 5 (2007), 159-183.
25. Zahar, A. "How Judges Think: Strengthening Defence Approaches to Joint Criminal Enterprise and Closing Arguments", Annual Conference of the Defence Bar of the Court of Bosnia and Herzegovina, *Sarajevo*, 12 December, (2009).
26. Catherine H. Gibson, "Testing the Legitimacy of the Joint Criminal Enterprise Doctrine in the ICTY: A Comparison of Individual Liability for Group Conduct in International and Domestic Law", *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 18, No. 521, (2008).

Cases

27. Brdanin Radoslav, 3 April 2007, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-9621-A.
28. Blagojevic, 17 January 2005, ICTY, Trial Judgment, Case No. IT-02-60-T.
29. Case Information Sheet, Duško Tadić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.
30. Case Information Sheet, Milan Martić, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.
31. Delalic and others, 20 February 2001, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-9621-A.
32. Duško Tadić, 15 July 1999, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-94-T.
33. Gustav Alfred Jepsen and others, 24 August 1946, Proceeding of a War Crimes Trial held at Luneberg, Germany.
34. Kvočka and others, 28 February 2005, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-98-30/1-A.
35. Krnojelac Milorad, 17 September 2003, ICTY, Appeal Judgment, IT-97-25-A.
36. Milan Martić, 8 October 2008, ICTY, Appeal Judgment, IT-95-11-A.
37. Milutinovic and others, 26 February 2009, ICTY, Trial Judgment, Case No. IT-05-87-T.
38. Prosecutor v. Milutinović and others, ICTY, Case No. IT-99-37-AR72
39. Popović and others, 30 January 2015, ICTY, Appeal Judgment, Case No. IT-05-88-A.

40. Sainovic and others, 23 January 2014, ICTY, Appeal judgment, Case No. IT-05-87-A.
41. Trial of Feutstein and others, 24 August 1948, Proceedings of a War Crimes Trial held at Hamburg, Germany.